

قاتل: بعد از آزادی

برای آشتی مردم تلاش می‌کنم



مرد محکوم به قصاص که هفت سال پیش شریک خود را در کارگاهش به قتل رسانده بود، پس از اینکه پای طناب‌دار رضایت اولیای دم را با ۲۹۵ میلیون تومان جلب کرد، روز گذشته از جنبه عمومی جرم محاکمه شد. متهم گفت: بعد از آزادی، برای آشتی بین افراد تلاش خواهد کرد.
به گزارش خبرنگار ما، بیست و دوم بهمن ماه سال ۸۸ مأموران کلانتری شهرستان روهن از مرگ مشکوک مردی در یکی از کارگاه‌های حومه شهر باخبر و در محل حاضر شدند. جسد متعلق به مرد جوانی به نام سیروس بود که با ضربه چاقو به گردنش به قتل رسیده بود. بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی، همسر وی مورد تحقیق قرار گرفت. او گفت: به شریک کاری شوهرش مظنون است و احتمالاً او مرتکب قتل شده‌است. زن جوان توضیح داد: شوهرم از چند سال قبل با یکی از دوستانش که پاسر نام دارد در یک کارگاه به صورت شراکتی کار می‌کند. مدتی بود که پاسر به من ابراز علاقه می‌کرد، اما من توجه نشان ندادم. یک‌بار به من گفت که شوهرم مانع از تباط است و او را به قتل می‌رساند.

با اطلاعاتی که زن جوان در اختیار پاسر گذاشت، مأموران متوجه شدند که پاسر به طوط ناگهانی ناپدید شده است، بنابراین به عنوان مظنون تحت تعقیب قرار گرفت و هشت ماه بعد از وقوع حادثه بازداشت شد.

وی در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: من و سیروس با هم شریک بودیم. مدت‌ها بود به خاطر اختلاف حساب با هم مشکل داشتیم. روز حادثه نیز به خاطر اختلاف حساب با هم درگیر شدیم که در درگیری ناخواسته او را کشتیم. وی در پاسخ به ادعاهای همسر مقتول گفت: من حرف‌های او را قبول ندارم و هرگز به او ابراز علاقه نکرده‌بودم. هر وقت که به خانه سیروس می‌رفتم، همسرم همراه ما بود.

متهم در جلسه رسیدگی به پرونده که در شعبه ۱۱۳ دادگاه وقت کیفری استان تهران تشکیل شد، جزئیات بیشتری از حادثه را توضیح داد و گفت: من راننده سرویس دانشگاه آزاد روهن بودم و در مقطع کارانه‌ای هم ادامه تحصیل می‌دادم که این اتفاق، مرا از کار و ادامه تحصیل دور کرد. هم‌زمان با سیروس که از دوستان من بود، کارگاهی اجاره کردم و به مشغول کار تولیدی شدیم. اوایل همه چیز خوب بود تا اینکه با هم اختلاف حساب پیدا کردیم. روز حادثه وقتی وارد کارگاه شدیم، درباره اختلاف حسابمان حرف زدیم که منجر به درگیری شد. در جریان درگیری چاقوی دست‌ساز سیروس را که روی میز بود برداشتم و نمی‌دانم چطور چاقو به گردنش بر خورد کرد و کشته شد. بعد هم در محل فرار کردم تا اینکه هشت ماه بعد دستگیر شدم.

هیئت قضایی بعد از شور، متهم را به قصاص محکوم کردند. رأی دادگاه بعد از تأیید در دیوان عالی کشور و انجام مراحل تشریفات قانونی در آستانه اجرا گرفت. مدتی قبل پاسر از سلول خود در زندان جایی شهر کرج به پای جوبه‌دار منتقل شد و طناب‌دار بر گردنش قرار گرفت. اما اولیای دم نثیه‌هایی قبل از اجرای حکم اعدام اعلام گذشت کردند. بعد از آن بود که پرونده برای رسیدگی از جنبه عمومی جرم‌وری مهیت قضایی شعبه دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی قریان‌زاده قرار گرفت و متهم روز گذشته برای دومین بار محاکمه شد. متهم وقتی مقابل هیئت قضایی قرار گرفت، گفت: در این شش‌ساله که زندانی هستم، سختی‌های زندان و شرکت در جلسه‌های دینی مرا منتقل و ناگام به زندگی تغییر کرده‌است. وقتی اولیای دم من را بخشیدند و طناب‌دار از گردنم برداشته شد، تلاش کردم خودم را به خدا نزدیک کنم. تصور پای طناب‌دار رفتن هم سخت است، اما لطف خداوند سبب شد تا زندگی دوباره‌ای پیدا کنم. در بر نامه‌های مذهبی و فرهنگی شرکت می‌کنم و کتاب‌های زیادی خوانده‌ام. شاید به خاطر همین خدا خواست تا با رضایت اولیای دم طناب‌دار از من دور شود. متهم گفت: برای جلب رضایت اولیای دم ملکی به ارزش ۲۶۰ میلیون تومان و ۱۳۵ میلیون هم پول نقد به آنها پرداخت کردم. وی ادامه داد: قصد دارم بعد از آزادی برای اطفای قلبم سفیر صلح باشم.

هیئت قضایی‌ی بعد از شور متهم را به حبس محکوم کردند.

دزدان طلافروشی

دوربین‌ها را با خود بردند!

سارقان بعد از دستبرد شش‌بانه به یک طلافروشی در شهرستان الشتر لرستان، دوربین‌های مدار بسته را هم با خود بردند.

این حادثه شش‌گانه شنبه اتفاق افتاد. رئیس پلیس آگاهی استان لرستان گفت: سارقان با کندن دیوار پشتی جواهرفروشی در خیابان آیت‌الله بروجردی شهر الشتر به این طلافروشی راه یافتند. سرهنگ نظری ادامه داد: طلافروشی مجزبه به دوربین مدار بسته بود، اما سارقان برای اینکه شناسایی نشوند، تمام دوربین‌ها و تجهیزات آن را نیز با خود برده‌اند. وی گفت: تحقیقات برای شناسایی و بازداشت متهمان در جریان است.

روحانی آمر به معروف که شامگاه جمعه با ضربات قمه مجروح و روانه بیمارستان شده بود، جزئیات بیشتری از حادثه را شرح داد.
بعد به سمت من حمله کردند. حمله نفر اول را دفع کردم. سه فرد شش‌روز قرار گرفت، به خیرنگار ما گفت: شب حادثه از مسجد به سمت خانه در حرکت بودم. قرار بود خواهرزادام را از مراسمی که در مسجد برگزار شده بود به خانه‌شان برسانم. غیر از خواهرزادام، زن و بچهام نیز در ماشین حضور داشتند. وقتی وارد خیابان طیب شدم، دیدم دو مرد برای یک زن مزاحمت ایجاد کرده‌اند، برای همین ماشین را متوقف کردم. هم‌زمان با توقف من بود که مزاحمان متوجه جیت من شدند. وقتی از

حجوات

سرویس حوادث ۴۸۴۹۸۳۵

آخرین جزئیات پرونده روحانی آمر به معروف

خودروام پیاده شدم، یکی از آنها شروع به فحاشی ناموسی کرد که اصلاً برای چه توقف کرده‌ام. از فرصت استفاده کردم و خواستم شروع به صحبت کنم که به فحاشی کردن ادامه دادند و بعد به سمت من حمله کردند. حمله نفر اول را دفع کردم. دومین نفر اما قمه کشید و حمله کرد، مچ دستش را گرفتم و مانع از این شدم که بخواهد ضربه‌ای بزند و قمه از دستش افتاد. آنجا بود که نفر سوم از راه رسید و قمه را برداشت و به من حمله کرد. در حالی که در گیر بودیم، متوجه جسم تیزی به سرم برخورد کرد. وقتی خون‌های ریخته شده روی خودروام را دیدم تازه فهمیدم که با ضربات قمه مجروح شده‌ام. به خاطر همین تلاش کردم از خودرو فاصله بگیرم تا سه زن و بچهام که داخل

بیگاری کشیدن از دختر نوجوان

پس از فریب تلگرامی



پسران شروری که دختر نوجوانی را بعد از یک آشنایی تلگرامی به دام انداخته بودند، او را برای بیگاری به خانه‌های مردم می‌فرستادند و شب‌ها نیز به من تعریف می‌کردند متهمان در حالی که قصد اخذای ۲۰۰ میلیون تومانی از پسر این دختر داشتند، به دام پلیس افتادند.
دختر جوان که بعد از آشنایی تلگرامی با یک پسر از خانه گریخته بود، مجبور شد برای کفنی در خانه‌های مردم کارگری کند. به گزارش خبرنگار ما، جندی قبل مرد پولداری به اداره پلیس تهران رفت و گفت: دختر نوجوانش به نام پلیس آگاهی ناپدید شده‌است. وی گفت: شغل من آزاد است و موقعی مالی خوبی دارم. دختر و پسری نوجوان به نام‌های شیمیا و شایان دارم. چند روز قبل متوجه شدم شیمیا عضو گروه تلگرمی شده‌است به همین دلیل مصیباتی شدم و او را ادعوا کردم و خواستم گروه تلگرامی را حذف کند. چند روزی گذشت و در این مدت دخترم با من قهر بود تا اینکه امروز برای دیدن یکی از دوستانش از خانه بیرون رفت و دیگر برگشت. وقتی با او تماس گرفتم، گوشی او خاموش بود به خاطر همین تصمیم گرفتم از پلیس کمک بگیرم. با طرح مدعی شکایت تیمی از مأموران پلیس آگاهی تهران با دستور قاضی پرونده برای پیدا کردن دختر نوجوان وارد عمل شد.

درخواست ۲۰ میلیون تومان برای دادن نشانی دختر گمشده

در حالی که مأموران تحقیقات خود را برای یافتن دختر گمشده آغاز کرده بودند، پدر شیمیا به اداره پلیس رفت و گفت پسر جوانی با این‌دانشانی دخترش ۲۰۰ میلیون تومان درخواست کرده‌است. وی گفت: ساعتی قبل پسر جوان با من تماس گرفت و مدعی شد نشانی دخترم را می‌داند و چنانچه ۲۰ میلیون تومان به او بدهم، دخترم را به من می‌دهد و من هم قبول کردم و قرار شد در یکی از خیابان‌های غربی تهران پول را به او تحویل دهم و او هم نشانی دخترم را به من بدهد. پس از این مأموران محل قرار شکاری و پسر جوان را تحت نظر گرفتند و پسر جوان را بازداشت کردند.

با شیما از طریق تلگرام آشنا شدم

متهم که ارسطو نام داشت، گفت: مدتی قبل از طریق تلگرام با

شیمیا دوست شدم. ما با هم از تباط تلفنی داشتیم و گاهی هم در خیابان و پارک یکدیگر را می‌دیدیم. چند روزی بود شیمیا حال خوبی نداشت و به شدت افسرده بود. وقتی از او سؤال کردم، گفت که پدرش مرد با اخلاقی است و او را دعوا می‌کند. شیمیا گفت، قصد دارد از اینده فرار کند که به او پیشنهاد دادم به خانه من بیاید. وقتی به خانم‌ام آمد تازه فهمیدم که پدرش مرد پولداری است و وسوسه شدم ا پدرش اخاذی کنم. امروز صبح با تلفن نامم و به ویلای اجاره‌امی برم دم مبلغ بیشتری از پدرش اخاذی کردم و به او پیشنهاد دادم تا مبلغ بیشتر از پدرش اخاذی شود. شیمیا حاضر شد، اما وقتی به خانه آمدم، خبری از شیمیا نبود که فهمیدم او از خانم‌ام گریخته‌است.

اخذای ۲۰۰ میلیونی برای آزادی دختر نوجوان

در حالی که حدود چند هفته‌ای از حادثه گذشته بود و مأموران هیچ سرعنی از دختر گمشده پیدا نکردند، پدر شیمیا با مأموران پلیس تماس گرفت و گفت دخترش را ببهوش در ویلای حوالی شهرستان کرج پیدا کرده‌است. وقتی مأموران در محل حادثه حاضر شدند، شاکی گفت: چند روز قبل پسر دیگری که لهجه شهرستانی داشت با تلفن همراهم تماس گرفت و گفت شیمیا را گروگان گرفته‌است و برای آزادی‌اش باید ۲۰۰ میلیون تومان به آنها بدهم. آنها تهدید کردند اگر موضوع را به پلیس خبر دهم، دخترم را می‌کشند به همین دلیل ترسیدم و به پلیس خبر ندادم. پسر جوان گفت که ۲۰۰ میلیون تومان را به همسرم بدهم تا به آدرس مورد نظر برود و دخترم را تحویل بگیرد. او گفت همدستش ما را زیر نظر دارد و چنانچه به دستور او عمل نکنیم، اتفاق بدی در انتظار دخترم است. سپس همسرم با خودرویش به آدرس ویلای که در حوالی کرج بود، به راه افتاد. من و پسرم با خودروی دیگری از دور او را تعقیب می‌کردیم تا اینکه همسرم وارد ویلا شد. وقتی ما هم وارد ویلا شدیم، دخترم بهبهوش روی زمین افتاده بود و از پسر جوان خبری نبود که دخترم را به بیمارستان رسانده و آن‌جا تحت درمان است.

دستگیری پسر شهرستانی و همدستش

بررسی مأموران نشان داد که پسر شهرستانی پرویز نام دارد و یکی از دوستان ارسطو است که با همدستی پسری جوان به نام سهراب



کارگردان «۵ کیلومتر تا بهشت»:

به دادسرا آمدم تا بازداشت نشوم

علیرضا افخمی، کارگردان سریال تلویزیونی «۵ کیلومتر تا بهشت» که متهم به «تسبیح» در قتل غیر عمد پسر نوجوانی است، روز گذشته در دادسرا حاضر شد و گفت بیم آن نداشته‌است که مأموران پلیس وی را بازداشت کنند.

به گزارش خبرنگار ما، ماه رمضان سال ۹۰ بود که سریال ۵ کیلومتر تا بهشت به کارگردانی علیرضا افخمی از شبکه سوم سیما پخش شد. داستان این سریال درباره پسر جوانی بود که پس از حادثه به کما می‌رود و روحش به سراغ افراد زیادی از جمله دختر مورد علاقه‌اش می‌رود تا ماکان پیکر نیمه جانش را که از سوی ضاربان در گنمزارهای حوالی بهشت زهرا رها کرده بودند، نشان دهد. در حالی که قسمت‌های پایانی این سریال در حال پخش بود، پسر ۱۳ ساله‌ای به نام محمد مهدی کوهی خودش را در خانه‌شان حلق آویز کرد. بررسی‌ها نشان داد او به تقلید از سریال ۵ کیلومتر تا بهشت به زندگی‌اش پایان داده‌است تا روحش به سراغ دوستان و بستگانش برود و از راز آنها با خبر شود. پس از این حادثه خانواده پسر فوت شده از علی اصغر پورمحمدی مدیر شبکه ۳، داوود هاشمی تهیه‌کننده و علیرضا افخمی کارگردان سریال شکایت کردند. پرونده در دادسرای جنایی بررسی شد و قاضی برای متهمان قرار منع تعقیب صادر کرد اما در حالی که پزشکی قانونی حدود ۲۰ درصد سازندگان سریال را مقصر دانست، خانواده پسر فوت شده به فرار قاضی پرونده اعتراض کردند و پرونده در دادگاه مورد بررسی قرار گرفت و قاضی پرونده با صدور رأی تسبیح در قتل غیر عمد برای سازندگان سریال، پرونده را برای بررسی بیشتر به شعبه دوم بازپرسی دادسرای جنایی فرستاد. پس از این قاضی مرادی بازپرس بررسی بیشتر به متهم را برای تحقیق به دادسرا احضار کرد.

در حالی که چند روز قبل تهیه‌کننده سریال در دادسرا بازجویی شد، صبح دیروز علیرضا افخمی همراه تهیه‌کننده و دستیار تهیه‌کننده در دادسرای جنایی حاضر شدند و از سوی قاضی مرادی تحقیق شدند.

علیرضا افخمی پس از بازجویی به خبرنگار ما گفت: به نظر من موضوع سریال ۵ کیلومتر تا بهشت چیزی نبود که محرک خودکشی باشد، بنابراین این اتهام از اساس غلط است. از آن گذشته وقتی سریالی ساخته می‌شود، مراحل مختلفی برای تصویب و ساخت آن طی می‌شود که این سریال هم مراحل قانونی‌اش را پس از طرح در ضرواهای مختلف طی کرد و مجوز ساخت تا پخش را گرفت. چنانچه در فرض غلط این سریال تحریکی برای خودکشی هم ایجاد کرده باشد، سازندگان آن مثل کارگردان و تهیه‌کننده نباید مسئول و پاسخگو باشند، بلکه مبادی ذریبط قانونی سریال مسئول هستند و باید پاسخگو باشند، چون برای ساخت یک فیلم با سریال باید هفت‌خوان ورستم طی شود. بنابراین مسئولیت قانونی به عهده آنهاست و البته من تأکید می‌کنم خودکشی پسر نوجوان هیچ از تباطی با موضوع سریال ندارد. وی در ادامه درباره درجه‌بندی سریال‌ها و هشدار به بینندگان گفت: این موضوع در ایران خیلی باب نیست و معمولاً چنانچه هشدار می‌دهد، شاده بود، برای افراد عادی است در صورتی که پسر فوت شده کودک بیش‌فاهم است که باید خانواده‌اش از او مراقبت می‌می‌کردند. وی درباره پرداخت دیه هم گفت: چنانچه محکوم به پرداخت دیه شود، کمترین پولی باید ديه پسر فوت شده را پرداخت کند. افخمی در پایان گفت: پس از اینکه از سوی قاضی احضار شدیم، تصمیم گرفتیم به دادسرا بایبیم تا بازداشت نشویم و الان هم با قرا کفالت آزاد شدیم.

تازه داماد از زندان آزاد شد

مرد محکوم به قصاص که پس از ازدواج با دختر جوانی در زندان موفق به جلب رضایت شد، از زندان آزاد شد.

به گزارش خبرنگار ما، متهم پسر جوانی است که سال ۸۸ به خاطر یک جفت کفش کتانی با خواهرزاده‌اش درگیر شد و او را به قتل رساند. وی در همان سال‌های ابتدایی موفق به جلب رضایت از خواهرش شد، اما پدر مقتول رضایت نداد. پدر مقتول پس از گذشت هفت سال از حادثه در خواست کرد ۰۰۰ ۲ میلیون کرد و گفت چنانچه متهم این دیه را به زودی آماده کند، او را می‌بخشد در غیر این صورت در خواست قصاص می‌کند. در حالی که متهم در یک قدمی جوبه‌دار قرار داشت، فروردین ماه امسال دختر تحصیلکرده ۲۸ ساله‌ای که مدرک فوق لیسانس تربیت بدنی دارد و از طریق برادرش در زندان با متهم آشنا شده بود به دادسرای جنایی رفت و گفت: قصد دارم با دختر تحصیلکرده ۲۸ ساله‌ای که مدرک فوق لیسانس تربیت بدنی دارد و از طریق برادرش در زندان با متهم آشنا شده بود به دادسرای جنایی (ع) با کمک قاضی شهریاری سرپرست دادسرای جنایی تهران در زندان و جایی شهر پای سفره عقد نشست و با مرد اعدامی ازدواج کرد.

چندی پس از این ازدواج، مرد خبری به دادسرای جنایی رفت و دیه مقتول را پرداخت کرد. متهم پس از گرفتن رضایت از اولیای دم در دادگاه کیفری استان تهران از جنبه عمومی جرم محاکمه شد. پس از این متهم از جنبه عمومی جرم در دادگاه محاکمه شد و هیئت قضایی حکم آزادی وی را صادر کرد. سرانجام تازه داماد چند روز قبل از زندان آزاد شد و همراه همسرش زندگی تازه‌ای را شروع کرد.

آگهی ثبتی

تاسیس موسسه غیر تجاری هفت هنر رعنا در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۲۰ به شماره ثبت ۳۹۶۱۱ به شناسه ملی ۱۴۰۰۶۱۶۴۷۱۹ ثبت و امضا ذیل داتار تکمیل گردیده – خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد.
- موضوع: برگزاری مراسمها و جشن‌ها و کنفرانس‌ها و سمینارها (انجام موضوعات فعالیت در صورت ضرورت قانونی پس از اخذ مجوزهای لازم).

- مدت موسسه: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود

- مرکز اصلی موسسه: جنت آباد شمالی، خیابان گلستان شرقی، خیابان فردوسی، بن بست اردیبهشت، بلاک ۱۲ واحد ۴ کدپستی ۱۴۷۷۹۱۵۹۹۵

- سرمایه موسسه: مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ ریال می‌باشد.

- اولین مدیران موسسه برای مدت نامحدود به شرح ذیل تعیین گردیدند.
داود منافی به شماره ملی ۰۰۴۲۷۶۵۳۱ به سمت رئیس هیات مدیره دارنده ۲۵۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه

مهرداد منافی به شماره ملی ۰۰۱۳۰۲۵۵۳ به سمت نائب رئیس هیات مدیره و مدیرعامل دارنده ۵۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه
توران فلاحی میاندوباب به شماره ملی ۰۰۴۵۲۰۱۹۹۳۱ به سمت عضو هیات مدیره دارنده ۲۵۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه

- دارندگان حق امضاء: امضاء کلیه اوراق بهادار و تعهدآور موسسه از قبیل چک، سفته، بروات، قرارداده‌ها، عقود اسامی با امضاء آقای مهرداد منافی به عنوان مدیرعامل همراه با مهر موسسه معتبر می‌باشد.

- اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه

- ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری تهران

گوشی را کنار بگذارد و با من صحبت کن، اما به حرفم توجه نکرد. همین موضوع سبب شد تا با هم دعوا کنیم. من او را تکک زد و زرد آشپز خانه شدم و چاقو را برداشتم. آن هنگام پشتش به من بود، وقتی برگشت چاقو به سینم‌اش فرو رفت. متهم در حالی که گریه می‌کرد، ادامه داد: اخلاصی خواستم او را بکشم. وقتی رامین زخمی شد، خیلی زود به اورژانس زنگ زدم و او را به بیمارستان منتقل کردیم، اما ساعتی بعد فوت شد. از نگرانی در تمام لحظات کنارش بودم. متهم در آخرین دفاع گفت: هر چند با شسوهرم اختلاف داشتم، اما به او علاقه‌مند بودم و می‌خواستم به من توجه داشته باشد. علت درگیری آن روز هم به خاطر همین بود. حدود یکسال و شش ماهی که در زندان هستم، بچهام را ندیدم و دلم برای او تنگ شده‌است.

قرار گرفت و در توضیح ماجرا گفت: پنج سال از زندگی من و رامین می‌گذشت و در این مدت با هم اختلاف داشتیم. امیدوار بودم که با بچه‌دار شدن، اختلاف‌هایمان تمام شود، ولی اینطور نشد. هر وقت دعوایی بین ما اتفاق می‌افتاد، مرا تک می‌زد و سعی می‌کردم از دستش فرار کنم. متهم در شرح حادثه گفت: روز حادثه وقتی وارد خانه شد، به من توجهی نکرد. روی مبل نشست و خودش را با تلفن همراهش مشغول کرد. خیلی ناراحت شدم و گفتم بعد از آن وارد شور شدم.

افزایش ۱۳ درصدی تصادفات مرگبار در سومین هفته شهر یورج

تصادف فوتی و جرحی در دو هفته اخیر، ۳۵۰ نفر جان باختند و ۸ هزار و ۳۰۰ نفر هم مجروح و معلول شدند. وی از ابطال ۱۸۰۰ گواهینامه رانندگان حادثه‌ساز و توقیف ۴۲ دستگاه خودرو با ارتکاب دو تخلف هم‌زمان و جریمه بیش از یک میلیون تومان در یک هفته اخیر خبر داد. سردار امیری گفت: ابطال گواهینامه، جلوگیری از ادامه رانندگی رانندگان حادثه‌ساز و توقیف ۷۲ ساعت خودروی رانندگانی که مر تکب دو تخلف حادثه‌ساز هم‌زمان